

یادداشت به مناسبت
درگذشت استاد محمود فرشچیان

یادداشت

میراثی بی انتها در نگارگری ایرانی



امیرافشار فتوحی

دیرتحریر به روزنامه صبا

در تاریخ هنر معاصر ایران، کمتر هنرمندی را می‌توان یافت که مانند استاد محمود فرشچیان، این اندازه درخشان و ماندگار باشد. روز گذشته که خبر درگذشت این استاد بزرگ منتشر شد، نه تنها جامعه هنری کشور بلکه همه علاقه‌مندان به فرهنگ و هنر ایران دچار اندوهی عمیق شدند.

فرشچیان، که چهارم بهمن ۱۳۰۸ در اصفهان چشم به جهان گشود، نمادی است از هنر اصیل ایرانی، اما همزمان نوآور و پیوندزنده سنت و مدرنیته در قالب نگارگری.

نگارگری ایرانی، هنری که ریشه در تاریخ چند هزار ساله دارد، از دیرباز به دلیل ظرافت، دقت و بیان داستانی‌اش شناخته شده است. استاد فرشچیان با درک عمیق از این سنت، نه تنها آن را حفظ کرد بلکه آن را به گونه‌ای زنده و پویا بازآفرینی نمود که مخاطبان امروز را نیز به وجد آورد. استفاده استادانه او از رنگ‌ها، ترکیب‌بندی‌های پیچیده و فضای عرفانی در آثارش، آن‌ها را به شاهکارهایی بی‌بدیل تبدیل کرده است.

فرشچیان استاد بهره‌گیری از خطوط نرم و ظریف در ترسیم چهره‌ها و اجسام بود. او با مهارت خاصی توانست عناصر کلاسیک نگارگری را با تکنیک‌های جدید تلفیق کند، به گونه‌ای که هر تابلو، داستانی تازه و متفاوت روایت می‌کرد. رنگ‌هایش، با تمام تنوع و شفافیت، برآمده از فرهنگ رنگین ایرانی و تأثیرپذیری از طبیعت بود؛ رنگ‌هایی که نه تنها چشم‌نواز بلکه مملو از احساس و معنی بودند. در آثار فرشچیان، نور و سایه چنان هماهنگ شده‌اند که بیننده را به دنیایی فراتر از تصویر سوق می‌دهد؛ دنیایی پر از رمز و راز، عرفان و امید.

اما فرشچیان تنها هنرمندی فنی نبود؛ او انسانی عمیق و متعهد به باورهای دینی و فرهنگی خود نیز بود. آثار او سرشار از مضامین دینی، ملی و عرفانی‌اند و پیوسته تلاش کرده است تا ارزش‌های ایرانی اسلامی را با زبان هنر به جهانیان منتقل کند. این ترکیب احساس و تکنیک، در کنار ارادت قلبی و صداقت هنری‌اش، باعث شده که آثارش نه تنها در ایران، بلکه در موزه‌ها و مراکز فرهنگی جهان، جایگاهی ویژه داشته باشند.

دیدن شاهکارهایی مانند «عصر عاشورا»، «شام غریبان»، «ضامن اخو» و «غدیر خم» به خوبی نمایانگر سبک خاص و منحصر به فرد فرشچیان است. هر یک از این آثار، با وجود تفاوت‌های موضوعی، یک ویژگی مشترک دارند: دعوت به تأمل، تعمق و فهمی ژرف‌تر از مفاهیم انسانی و معنوی. این آثار، همچون پلی میان گذشته و حال، سنت و نوآوری، هنر و زندگی عمل می‌کنند.

در کنار جنبه‌های هنری و فنی، باید به شخصیت مهربان و فروتن استاد فرشچیان نیز اشاره کرد. انسانی که تمام عمر خود را وقف هنر کرد و با فروتنی و تواضع، میراثی جاودانه برای نسل‌های بعدی به یادگار گذاشت. مهربانی، عشق به مردم و وطن‌دوستی از ویژگی‌های بارز او بود که در تمام زندگی و آثارش موج می‌زد.

از دست دادن استاد فرشچیان، بی‌شک خسارتی بزرگ برای هنر ایران است، اما آثار و میراث او همچون چراغی فروزان در مسیر نگارگری ایرانی باقی خواهند ماند. نسلی که به تماشای آثار او می‌نشیند، نه تنها زیبایی‌های بصری را خواهد دید بلکه با هر نگاه، دریچه‌ای نو به اندیشه، فرهنگ و تاریخ ایران خواهد گشود. یاد و خاطره استاد محمود فرشچیان باید همچون گنجینه‌ای گرانبها پاس داشته شود. زنده نگه داشتن یاد این استاد بزرگ به ما یادآوری می‌کند که هنر تنها یک پدیده بصری نیست، بلکه زبان بیان احساسات، تاریخ و هویت یک ملت است.

مجموعه رسانه‌ای صبا از دست دادن این هنرمند ارزنده را تسلیت می‌گوید. بی‌شک آثار و روح بلندش را تا همیشه در دل‌هایمان حفظ خواهیم کرد.



جوکار بیان کرد: هر جا می‌رفتند، برایشان بزرگداشت می‌گرفتند و احترام ویژه قائل بودند. این جایگاه و احترام، بستر خلق شاهکارهای بزرگ زندگی‌شان را فراهم کرد. علاوه بر استعداد ذاتی و شرایط محیطی که ایشان را به این مرتبه رساند، این موهبت الهی را نیز داشتند که در زمان حیاتشان مورد قدردانی قرار گرفتند. این موضوع باعث شد اقتصاد و مارکتینگ مناسبی حول آثارشان شکل بگیرد و با فراغ بال و بدون دغدغه معیشت، تنها به خلق اثر بپردازند. بسیاری از هنرمندان مستعد و حتی نابغه ممکن است به دلیل فشار اقتصادی، فرصت آفرینش آثار ماندگار را پیدا نکنند، اما استاد فرشچیان با آرامش ذهنی و قلبی توانستند شاهکارهای خود را بیافرینند.

وی یادآور شد: خاطر هست در بزرگداشتی که دانشگاه اصفهان برایشان گرفت، پس از سخنان دیگران، روی سن رفتند و گفتند: «اینکه شما می‌گویید، هر چه هست خدا من فضل ربی. من از خدا تشکر می‌کنم. من یک پیرمرد هستم که در گوشه‌ای می‌نشینم و نقاشی می‌کنم. هر چه هست از لطف الهی است.» سپس همان جابری سن سجده شکر به جا آوردند. استاد فرشچیان همیشه اهل تواضع بودند و هیچ‌گاه غرور در رفتارشان دیده نمی‌شد.

این مدرس دانشگاه ادامه داد: هیچ وقت یادم نمی‌رود در چهارمین دوسالانه ملی نگارگری سال ۷۹، من از دست ایشان لوح تقدیر گرفتم. وقتی به تماشای آثار رسیدند، یکی از کارهای مرا دیدند و گفتند: «این خوب است، اما اگر من بودم شاید این بخش را کمی می‌چرخاندم.» با لحنی نرم نقد می‌کردند تا دل کسی نشکند. بعد که به آثار خودشان رسیدند، ایستادند و بلند گفتند: «محمود، بیشتر طراحی کن، بیشتر مطالعه کن!» یعنی حتی در اوج، خود را بی‌نیاز از تلاش نمی‌دانستند.

وی بیان کرد: همیشه به ما توصیه می‌کردند که بیشتر مطالعه کنیم و بیشتر طراحی کنیم. می‌گفتند: «بروید اصفهان، عالی‌قاپو، مسجد شیخ لطف‌الله، مسجد امام؛ کاشی‌کاری‌هایشان خود یک دانشگاه است. بنشینید و از آن‌ها طراحی کنید.» این توصیه، امروز هم آویزه گوش ماست و ما هم به دانشجویان منتقل می‌کنیم.

جوکار در پایان اذعان داشت: امیدوارم روحشان شاد باشد و در اعلی‌علین با ائمه اطهار محشور شوند. بی‌تردید با قلب پاک و روح والایی که از ایشان دیدیم، جایگاهشان همان بهشتی است که در تابلوهایشان ترسیم می‌کردند.

عیسی بهادری در هنرستان نمی‌شدند و اگر ده‌ها «اگر» دیگر اتفاق نمی‌افتاد، شاید نام «استاد محمود فرشچیان» را امروز در تاریخ فرهنگ و هنر ایران نداشتیم.

این نگارگر گفت: ایشان ودیعه‌ای الهی بودند که ما افتخار هم‌عصری با او را داشتیم؛ برخی محضرش را درک کردند و از راهنمایی‌ها و نگاه پرمهرش بهره بردند. آثارشان گنجینه‌ای است که باید پژوهشگران آینده با نگاه تحلیلی و علمی روی تک‌تک آن‌ها کار کنند تا نسل‌های بعد بدانند چه قله‌ای بزرگ در این دوران در ایران بالیده و چه اسطوره‌ای به جهان هنر معرفی شده است.

جوکار تأکید کرد: به نظر من، نخستین و مهم‌ترین اقدام این است که پژوهشگران به صورت داوطلبانه روی آثار ایشان کار کنند. من به عنوان یک معلم دانشگاه و کسی که خودم در حوزه نگارگری فعال هستم و این مسیر را می‌شناسم، وظیفه خود می‌دانم که این کار را انجام دهم و دانشجویانم را نیز به آن ترغیب کنم. گرچه تاکنون درباره آثار استاد فرشچیان کارهایی انجام شده، اما همچنان کافی نیست و هنوز جای بررسی ظرایف و دقایق کارهای ایشان بسیار باز است.

وی افزود: گام بعدی، معرفی آثار در سطح بین‌المللی است. باید مقالات و پژوهش‌های دقیق در مجلات معتبر جهان منتشر شود تا جهانیان بیش از پیش با این گوهر تابناک ایران زمین آشنا شوند. خوشبختانه یکی از مواهب بزرگ زندگی استاد فرشچیان این بود که در زمان حیاتشان شناخته شدند؛ اتفاقی که برای کمتر هنرمندی در تاریخ هنرهای تجسمی می‌افتد. برای مثال، کمال‌الملک و استاد حسین بهزاد در اواخر عمر شناخته شدند، اما استاد فرشچیان حدود ۵۰ تا ۶۰ سال به عنوان هنرمندی تراز اول در ایران و جهان مطرح بودند.



جلیل جوکار

نگارگر و مدرس دانشگاه:

استاد فرشچیان، خورشید درخشان هنر نگارگری ایرانی

جلیل جوکار درباره از دست دادن استاد فرشچیان عنوان کرد: ابتدا باید به جامعه فرهنگ و هنر ایران، فقدان یکی از اسطوره‌های تاریخ هنر را تسلیت عرض کنم. به جرأت می‌توان گفت در تاریخ هنر ما، هیچ شخصیتی به اندازه استاد فرشچیان آثار ماندگار خلق نکرده و افتخارات جهانی و بین‌المللی کسب نکرده است. حدود ۳۰ سال پیش، سازمان ملل به ایشان لقب «نقاشی برای تمام ملت‌ها» داد. همچنین نشان عالی فرهنگ و هنر کشورهای مطرح جهان را دریافت کردند و چهار پنج سال پیش هم عنوان «گنجینه زنده بشری» را از یونسکو گرفتند.

وی افزود: چنین افرادی در حقیقت گنجینه‌های گران‌بهای فرهنگ و هنر یک سرزمین‌اند. اگر مجموعه آداب و رسوم، سنت‌ها، ادیان، اسطوره‌ها و افسانه‌های یک کشور را خلاصه کنیم، دو هنر بیش از همه نماینده این میراث ناملموس‌اند: یکی نقاشی و نگارگری و دیگری خوش‌نویسی. این دو همواره در هم تنیده‌اند و کسی که در این عرصه به خورشیدی درخشان و قله‌ای رفیع بدل می‌شود، مانند استاد فرشچیان، بی‌تردید یک گنجینه بی‌نظیر است. فقدان چنین شخصیتی، ضایعه‌ای سنگین و جبران‌ناپذیر است.

این استاد دانشگاه خاطرنشان کرد: داشتن استعداد ذاتی و آمادگی روحی شرط لازم است، اما کافی نیست. هنرمندی مانند استاد فرشچیان باید در بستری فرهنگی ویژه رشد کند، از محضر استادان بزرگ بهره‌برد و زندگی‌اش به گونه‌ای رقم بخورد که بتواند چنین جایگاهی را به دست آورد. ایشان از نوادر تاریخ فرهنگ و هنر نه تنها ایران، بلکه جهان بودند.

وی افزود: استاد فرشچیان دو نکته اساسی را به خوبی دریافته بودند: نخست، فهم عمیق از هنر و داشته‌های فرهنگی ایران؛ دوم، درک زبان جهانی هنر و چگونگی خلق آثاری که در سطح بین‌المللی پذیرفته شود. این نکته بسیار مهمی است که پیروان و شاگردان هنر باید از ایشان بیاموزند.

جوکار تصریح کرد: مسیر هنری ایشان از نوجوانی آغاز شد. حدود ۱۵ تا ۱۷ سالگی، دیپلم خود را از هنرستان هنرهای زیبای اصفهان دریافت کردند و اثر پایان‌نامه‌شان هنوز در موزه هنرستان موجود است. اثری که حتی بسیاری از دانشجویان دکتری توان خلق مشابه آن را ندارند. ایشان علاوه بر نگارگری، شاگرد علامه جلال‌الدین همایی در شعر و عرفان بودند و شعر نیز می‌سرودند، گرچه کمتر این بُعد وجودی خود را آشکار می‌کردند.

وی افزود: پس از آن، برای شناخت مکاتب هنری، به اروپا و شرق دور سفر کردند و آثار بزرگان را به دقت مطالعه کردند. خودشان تعریف می‌کردند که در موزه لوور، صبح نخستین بازدیدکننده بودند و شب نهمین‌ها از ایشان می‌خواستند موزه را ترک کند! در آمریکا، یکی از استادان دانشگاه هاروارد پس از آرموند دانش و درک عمیق ایشان از هنر و فلسفه، قانع شد تا بر آثارشان تقریظ بنویسد.

جوکار بیان کرد: استاد فرشچیان به این پرسش مهم رسیدند که «من چه آجری باید به بنای رفیع تاریخ هنر جهان بیفزایم؟» و پاسخ را با خلق آثاری یافتند که سبک شخصی ایشان شد و دریچه‌ای نو در نگارگری معاصر گشود.

وی ادامه داد: اگر پدرشان آن شخصیت خاص نبود، اگر در اصفهان و در آن خانواده متولد نمی‌شدند، اگر به حجره میرزا آقا امامی نمی‌رفتند و از نور معنوی او بهره‌مند نمی‌شدند، اگر مادری عاشق امام حسین ع نداشتند، اگر شاگرد نابغه‌ای چون استاد